2256
6.8.04

نسخه نادره مولفات حکیم صاحب میر محمد وقاریه

بسم الله الرحمن الرحیم وتم بالخیر

الحمد لله والسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد این چند فصول در علم طب در ادویه متفرقه مرقوم قلم شکسته رقم میگردد تا یاد گیری دوستان گردد و موجب دعای خیر در حق کاتب باشد فصل در ادویه قوت باه معجون لوشد ارود در تقویت دماغ و جگر و دل مجربست و مزیل خفقان و مفرح و محسن لون و مطیب نکهت و عرق و مهی و مشهی و ادمان او نهایت منشط حتی که از کثرت تفکی و تطیب نفس عارض میشود حالتی شبیه بغیبوبت و در ابطاء انسیب نافع و صاحب ذخیره کوید من او را در امراض دقوت دل عجیب الاثر یافته ام پیش از طعام و بعد از طعام لوان خورد شربتی از یکدرم تا سه درم صفت ان کل کلان از اقماع پاک کرده شش درم موتیا ناکوری پنجدرم قرنفل مصطکی سنبل الطیب هر یک سه درم دانه ازجر خورد و دانه الاچی کلان عنبر سیله قرفه دارچینی جلوتری زعفران کبور کچری هر دو درم خمیره الثعلب سه درم امله مقشر نیم سیر مقری یک سیر ورد سرد مزاج عوض مقری شهد خالص یک سیر یا نصف نصف هر دو حسب مزاج طریق ساختن وی آنست امله را در شیر کاو و یا کاميش که دو سیر باشد یکشبانروز تر کنند بعد ازان سیر پز کنند و امله را با خیار بشویند و بدست بمالند تا ذائقه بدرود بعد ازان امله در چار نیم سیر آب بجوشانند تا خوب بجوشد بعد ازان از آتش فرود اورده سرد کنند و بدست بمالند و در پارچه صاف کنند یا مایه او کلی برآید بعد ازان آب صاف آن در دیکچه اندازند و باز بجوشانند و مقری یا شهد داخل کنند و بقوام رسانند چون بعوام رسد از ویه که کوفته بیخته باشند و دیکچه از آتش فرود اورده نیم سرد کرده داخل کنند و زعفران بکلاب محلول کرده اندازند و بدسته خوب بمالند که یکدست شود و در ظرف سبز یا چینی یا چوبین نگاه دارند فصل در ادویه اسماک حب افیون جهه اسماک مغی مجربست ص افیون ده درم فلفل دارچینی زنجبیل کتیرا صمغ عربی زعفران جلوتری هر پنج درم حب بلسان بیجا بول عاقرقرحا چوب لکری میده کبور کچری جند بیدستر زنبیی

در روغن عربی مصطکی اگر رکی هر دو درم قرفه دار چینی گرفه قرنفل دار فلفل جنطیانا رومی هر سه درم مشک
خالص یکدرم نبات مصری پانزده درم کوفته بیخته بگلاب سرشته جبها سازند بقدر نخود و بدارند
و در باب مساک چون باید کرد که بالآخره ضرر میرساند جبت دیگر مسمی بحب سیماب جمک میز و مهی و مشهی حب:
ص آن باید در سیماب سودی بپارچه سفت مکرر گذرانیده و افیون خالص هر سه درم هر دو را یکجا باشیره بتنول
و پان باشد مالش کنند و در سایه خشک کنند همینان هفت کرت بعمل آرند [illegible] قرقرحا جان
خرسانی نیخ پان جوز بویه قرنفل جلوتری هر یکدرم کوفته بیخته بهم آمیخته حب [illegible] بقدر نخود و طریق خوردن
حب مساک آنست که وقت حاجت آخر روز طعام بخورد و در حب سیماب نان نکند بر روغن کاو بخورد
اما بسیار سیر شکم نباید خورد چون یکپاس گذری بالا از تناول غذا بکند ریکجب فرو برد و بعد سه گهری
شروع بجماع فرمایند عجائب خواهند دید فصل در بیان لیپ طلائی هر شهوت زائله را مستر دسازد و
انتشار تمام الله و عاجز از ازاله بکارت را قادر سازد ص آن مصطکی رومی یکدانگ قرنفل اگر یک
ریگ ماهی عاقرقرحا تخم هر نیمدام روغن کاو چار دام ادویه باریک ساخته در آوند آهنی نهند
و روغن مذکور آمیزند و باد سته چوب نم از صبح تا شام حل کنند و در روبی نگاه دارند پیت یکروز
بر ذکر مالند و بابرگ بید انجیر یا چوز مالتن پیچیده و بالایش پارچه بندند و در عذت اب نرسانند
و اگر روغن مذکور کم شود قدری دیگر اضافه کنند روا ست لیپ دیگر رفت رومی سیاه اصیل جدید
هر آتش روغن کرده و بسوزد و لوبان سفید کوفته هر دو کدانگ شراب دو آتشه دو سیر اب چاه چار سیر
کنجشک نیخته و کنجشک سه تا پاک کهم ادویه کوفته بیخته در شکم آن دخلکهه بشرطیکه جمله بهت حصه کرده
بار شته ابریشم شکم آنهارا بدوزد بعده در دیگدان تلیعدار بنوازند آخته باب و شراب طیخ نماید و دود بند
سازد چون اب تمام خشک شود و لاکن قدری بماند کنجشک سه در هاون آهنی کوفته با ب با قیمانده سرشته
بقدر نخود جبها سازد و بوقت جماع کوپای سه در گذشت بقدر نیم مالیده بر قضیب طلا کرده و در جماع
مشغول گردد عجائب پسند مجربست لیپ دیگر مسمی بعصابة الباه دو دست جامه بافته آنرا در
روغن مادو کاو قدر بسیار مذیب کرده بدست تا قدر نیم گهری مالد در سایه خشک نماید تا سه بار بعده در شیر
آب و در اب کشائی که کادیری گویند همینان سه بار در شیر آغوز همینان سه بار و هر بار در سایه
خشک نماید بعده در روغن رد و بدستور سابق سه بار بعده بر سنج تو فنک پیچیده در طشت نفتی مسین

نهاده آتش دهد که روغن درآوند بجوشد و پارچه بسوزد پس آن روغن را در کهرل با قدری زعفران
و حلوتری و عاقرقرحا و جغر تیله که کهنه باشد در آن کهرل مالش بلیغ نمهر بدارد اولا جوش زلوکش یده
یا بسر استره شرط باریک و تنک زده بالایش به پارچه بافته عصابه پیچد تا چهار پاس تا هفت روز بعده مسکه
بزی خالص یا مغز سوخته بسکه حل کهنه کالله تا که به نقطه بعده بوقاع مشغول شود دو سال قوت کامل بخشد
مسیح و استعمال من تری طرفین مسیح عضوین نماید در دکور باعث لغوظ کامل و مساک و تندی و قرحهای
دور الوث بکارت باز دهد نماید لذ مجربات تامه ست ص آن بیاورد و کز پارچه بافته لاشته
نرم کهنه شب بخاین قدر پنبه لوله کوفته در آب حل کهنه پارچه را تا چهار کهری در همان آب مدت هفت کاله
بعده در سایه خشک نماید پس بیاورد عقرقرحا و زعفران و حلوتری و جغر تیلیه و افیون هر دو را سه کوفته
کوفته بخته بدلاوه بیاورد یا دکه و بخان رسیده آنرا در آرد پیچیده در آتش تیز و چون پخته کردد و پارچه
پشمینه شپلیده از بش بکیرد و او دویه مسحوقه در آن بکذارد پارچه را با آب خالص شسته
شوخی شب دور نماید شپلیده در آب او دویه بلیغ نموده در سایه بکنماید بعد خشک شدن باز در آب
کوفته اندازند مذکور مرتبه آخری محلول با آب کهنه کالله بعد از خشک شدن فقط بدست مالیده نکاه دارند
اکر نساء چیز با بکنت پیچیده در فرج کرارت آب داده مرالله نوعیکه پارچه تر شود عمیق و معطر کرده دور کرده
مرد باره اول آلت را با آب کرم شسته بحالتی که رطوبت باشد مسح کند باعث و سلطیری و مساک کردد و
بعد جماع قبل از رطوبت جماع چون قضیب را در پارچه مذکوره پیچیده فی الفور لغوظ الله و مجربات
فصل در ادویه فرنک اکر خون غالب بود اول فصد باسلیق زنند بعده مسهل بل اجرا بهند ص هلیله زرد نشته
و برک سنا هر ۹ ماسه بعد سه روز خب توتیا دهند بدین نمط ص آن توتیا بیز کوفته بخته همچون غبار سازند
و بکیرند مویز سیاه دانه او کشیده بکوبند هر همچون حلوا شود پس توتیا مذکور (الویه) را در آنکه مویز عمل کنند
و خب بندند بقدر کنجد (۲ توله) چهارده خب در مدت پنج روز بدین ترتیب روز اول یک عدد روز دوم سه
و روز سیوم چهار خب و روز چهارم سه و روز پنجم دو خب بعد در مسکه کاو ملفوف کرده در کام
داشته فرو برند قی خواهد اورد بغراغت چند بار و اسهال نیز درین پنج روز غسل نکنند و غذا آن کنند
پی نکنار و غن کاو بخورند معجون شاهتره موازنه سه مثقال بکوشانده عناب هر صباح خورانیدن
در پنج روز داده آبله را خشک سازد و جراحت به کند ص آن شاهتره بهفت مثقال برک سنا خاصه

سه مثقال پوست هلیله زرد پنج مثقال آمله شصت مثقال ریوند چینی دو درم کلسرخ مصفا چهار مثقال کشنیز
بامویزدانه کشیده صد مثقال ادویه کوفته بیخته باریک سوده با کشمش بکوبند هر یکذات سرشته دارند
ص چون شانده غباب بگیرند غباب مویز دانه در یکنیم پاو آب بکوشانند چون به ثلث رسد یعنی نیم پاو بماند
بدست مالیده در پارچه صاف کنند فصل در ادویه آبستن زن که بچه نمی آرد باید که اول فصد صافن
از بامی کند تا پاکی رسم حاصل آید بعده بگیرد و برادهٔ عاج دندان فیل کوفته ۴ دو که مصری سفید
سه دو که یکجا کرده جمله شش حصه کند چون زن از حیض پاک شود یکحصه بنهار سیر و یکحصه شام بخورد بمعده
آب چیلک در سندی مویز نامند قدری آدو که مقرض کرده شب در آن آب مطبوخ تر کرده نهاده بامداد بشاند بشاند بشاند روز
بعمل آرد و اندرین سه شبانروز از جماع ممنوع است شب چهارم مرد با او جماع کند اگر بین دو حیض مدت حاصل
شود بهتر و الا در ماه دیگر نیز بعد حیض متصل سه شبانروز بجوزد نهایت تا سه طهر بعمل آرد ان شاء الله تعالی از دین
سه ماه زن حامله خواهد شد فرزجه هر معین بر حبلی است ص آن ماهیره سورنجان صبر و زوفا
کفدریا و بیخ دارکی یعنی ششم حصه درم شکر سرخ دو درم کوفته بیخته در شکر یکجا کرده بکوبند تا یکجا
شود و از آن باندازه خشخاش قرصها سازد روز شب یک یکشانه بردارد و دو دهان رحم بنهد
و اگر این شانه سه شبانروز در سه ماه که سفوف عاج میجوزد بردارد بهتر است و بعد از سه روز نیز
هر چند روز ما بیشتر بردارد نیکباشد فصل در ادویه دفع درد رحم که پیش از حیض پدید آید بگیرند
سلیخه یعنی چوب بیخ بورن کیزه یکوب کرده در سه پاو آب بکوشانند چون سیوم حصه بماند
صافکنند و یکدو که سهری اندخته بجوزد حیض باسانی برآید و اگر سبزی بشت بخته بابان بجوزد نیز
همین عمل کند فصل در برآمدن ناف هر از سبب کاهش پرده که در زیر ناف است و آمدن رودهٔ باد
در آنجا حاصل شود باید هر آن موضع را دایهٔ خصوص در وقت جماع محکم ببندند و از غذا و میوهٔ باد انگیز
و از جماع بسیار شکم و از حرکت قویه پرهیز کنند و این حبها خورده باشند صفته آن تخم کرفس
انیسون سپند مصطکی غرقان ۵ دو درم پوست هلیله کابلی و بلیله و آمله ۵ سه درم مقل ازرق یکدرم
فوذنج قسط کچور تکر تمدرم دارو های سوائی مقل کوفته بیخته یکجا کنند بعده بگیرند دو دو که بادیان بیده
یکدو که آب انار آن بگیرند و مقل را در آن آب حل کنند و گلوله سازند دارو ی سوخته در آن خمیر کرده حبها
کنند بقدر نخود هر صباح وزن یکمثقال از آن حبها بر نهار با آب بجوزند فصل در ادویه جریان ریم با بول

یعنی بر سبیل صفت آن مغز تخم خربوز مغز تخم بادرنگ ۵ دو دوکه کل از هر یکی صمغ کندر سرخی از هر یکی دو دوکه تخم کاهو
افیون هر یکنیم درم تخم کرفس یکدرم کوفته بیخته با ب حل کرده قرصها بندند هر قرص بوزن دو درم هر روز
نهار یکقرص با شربت خشخاش بخورد غذا نان کندم با روغن کاو و فصل در علاج ضیق النفس باید هر دو روز
داروئی قی بکند بدین ترتیب که اول نهار اگر ا یعنی بهت کندم رقیق که از آرد کندم در آب نشا ریخته
باشند و ۳ عت سه دوکه شهد داخل کرده باشند و آمیخته بخورند بعده یکساعت گذاشته
بگیرند تخم ترب و تخم بهت هر یکدوکه سائیده در یکپاو آب صاف کنند و دو دوکه شهد در آن داخل
کرده بخورند اگر خود بخود قی نشود خوب والا نه پر مرغ با روغن کنجد تر کرده در حلق بگذارند تا قی بخوبی
آید دو روز متصل اینطور قی کنند بعد از آن بگیرند کوکنار یعنی پوست که سندی دوڈوڈی پوست
ناسکاف ۳ سه دوکه تخم خشخاش یکپاو کوفته شب در یکسیر آب تر نمایند صباح بجوشانند چون سیر بماند
فرود آورده سرد کرده و بدست بلند و در پارچه صاف کنند و آب آن باز در دیگچه انداخته یکپاو مصری
در آن داخل کرده بجوشانند چون بقوام رسد فرود آرند و در شیشه نگاه دارند دو دوکه صبح و دو دوکه
شام بوقت حقنه شب بخورند غذا نان با گوشت دراج سفید و چوزه مرغ و دال مسور و کشنیز
و اگر کاهی قبض شکم شود با هلیله سیاه طبع نرم دارند فصل در علاج کوا سیر خونی باید در اول فصد
باسلیق کنند بعده جلاب با سلیه سیاه یکدوکه بخورند و برای حبس خون این داروئی مجربست ص مغز تخم خربوز
دو دوکه رسوت صاف خالص دو دوکه کهربا اصل یکمثقال مصری دو دوکه کوفته بیخته با برزه حقنه کنند
هر روز نهار یکحصه با آب بخورند و صاحب بواسیر را باید جهت باد بخان و دال مسور و گوشت کاو و کرم ساک
و برسیر و قند سیاه و خرما خشک و شیرو ماهی و فلفل و سیر و پیاز نخورد و سبزی بشت تناول فرمایند
والسلام والاکرام فصل در بیان مسهلات هر خط اگر صفرا غالب باشد بعد شت روز تخم کاسنی و تخم خربوزه
هر یکدوکه سائیده یکدوکه مصری انداخته بجوشد روز هشتم این مسهل بخورند صفته آن پوست هلیله
زرد دو مثقال برگ سنا یکی دو مثقال مصری یکمثقال کوفته بیخته بروغن کاو یا بادام چرب کرده با آب بخورند
و اگر بلغم غالب باشد اول نه روز این جوشانده بخورد بادیان مویز سیاه منقی هر یکدوکه انجیر زرد خالص
پنجدانه تخم کرفس یکمثقال شب کوفته در ۳ سه پاو آب تر نمایند علی الصباح بجوشانند چون سیوم حصه بماند
صاف کرده مصری انداخته بخورند روز دهم این مسهل بخورد صفته آن ترنجبین صاف کرده دو مثقال برگ سنا یکی دو مثقال